



ویژه نامه محرم الحرام ۱۴۲۷ - شماره دهم
هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)



اگر می‌بخشید منم تا بستی کجای خوش
دست خالی کردن ما از کویت یابین



هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)

واجب فراموش شده ۱۰

ما را چه می شود که اینقدر نسبت به این موضوع بی تفاوتیم؟ بسیاری از ما می دانیم که این امر چقدر اهمیت دارد و اطلاعات زیادی در مورد آن داریم و روایات زیادی در این مورد شنیده ایم اما به بهانه های مختلف مثل اینکه چه فایده؟ ما که شرایطش را نداریم، از کجا معلوم تأثیر داشته باشد.

در پاسخ باید گفت ما مأمور به وظیفه ایم نه مأمور به نتیجه به ما دستوری داده شده که باید انجام شود اگر ما این کار را نکنیم زشتی های دیگران دامن ما را هم خواهد گرفت. چون ما اشتباهات را دیدیم و سکوت کردیم و این سکوت گویی تأییدی است بر آن چه ناشایست بوده است. و باید بدانیم که امر به معروف فوت و فنی دار که باید آموخت تا درد بی تفاوتی ها درمان شود. که اگر خوب در این زمینه فکر کنیم و مغزمان را بکار بیندازیم می توانیم برای آن چه در ذهن داریم ایده دهیم و پیاده کنیم و رضایت پروردگارا بدست بیاوریم.

بی توجهی عموم جامعه به وظیفه امر به معروف و نهی از منکر اگر همه مردم جامعه نسبت به این وظیفه شرعی عمل نمایند قریب به اتفاق مواردی که نیاز به امر به معروف یا نهی از منکر دارد با همان تذکر زبانی برطرف می شود ولی مشکل اینجا است که مردم نسبت به این فریضه دینی احساس وظیفه نمی نمایند.

در برخی امور باید زمینه ها و مقدمات امر به معروف و نهی از منکر را فراهم نمود و حتی اگر لازم شد در آن زمینه اقدامات تحقیقاتی انجام داد.

امام موسی صدر (۱۳۲۸ ه. ش) وقتی وضعیت نابسمان حجاب در لبنان را دید حدود یک سال در خصوص علل و راه های مبارزه با آن تحقیق کرد

خودش گفته پس از یک سال مطالعه عامل اصلی این بی بند و باری را در بی سوادی و دور بودن زنان از تعالیم اخلاقی

و دینی یافتیم و فهمیدیم که نخست باید سطح فکری و تربیتی آنان از جهت دینی و اخلاقی تقویت بشود ولی دو مانع بزرگ در پیش داشتیم که عبارت بودند از:

الف: زنان لبنان برخلاف زنان ایران در مسجد و مجالس عزاداری به هیچ وجه شرکت نمی کردند.

ب: شخصیت زنان به طور معمول با زیبایی، تظاهر به تجمل و مد آمیخته بود.

جمعیتی به نام (جمعیت بر و احسان) تشکیل داد و حضور زنان را در آن آزاد نمود و مسؤلیت های متعددی همچون توزیع کمک به فقرا را به آنها سپرد و به مرور روح انسانی را در آنها تا حدودی زنده کرد به گونه ای که درک کردند که به جز مد پرستی و لباس خوب پوشیدن زنان جنبه های دیگری هم دارند بعد از آن نیز مجموعه هایی به نام (خانه دختران) (آموزشگاه پرستاری) (مرکز پزشکی) (موسسه عالی باقی) (حوزه علمیه) تاسیس کرد.

حزب الله امروز ثمره اقدامات اولیه امام موسی صدر است. (کتاب پیکار با منکر در سیره ابرار - ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر نشر معروف - ص ۱۸۷)

بررسی و کشف روش های اثر گذاری امر به معروف و نهی از منکر

یکی از اصولی ترین شرایط امر به معروف و نهی از منکر احتمال اثر گذاری آن می باشد و وجود چنین شرطی به معنای خالی کردن شانه از این وظیفه مهم شرعی نیست بلکه از وظایف بسیار مهم آمرین به معروف و ناهیان از منکر که کمتر نیز بدان توجه می نمایند این است که در هر موضوعی روشهای اثر گذاری امر به معروف و نهی از منکر را بررسی، کشف و اجرایی نمایند چرا که در صورت عدم شناخت روش های تاثیر گذار ممکن است نتیجه معکوس عائد آمرین به معروف و ناهیان از منکر گردد.

چگونگی روابط انسانی در نهضت عاشورا

آنچه در عصر کنونی، در سازمان‌ها مورد توجه است، مسئله روابط انسانی است، و اینکه اعضای سازمان، خود دارای اهداف، تمایلات، خواسته‌ها و انگیزه‌هایی باشند. اگر مدیریت سازمان تنها به هدف‌های سازمان پایبند باشد و به ویژگی‌ها و روحیات اعضا و خواسته‌های آنان بی‌توجهی بنماید علاوه بر آنکه به نقش رهبری خویش لطمه وارد می‌سازد، به ساختار سازمان نیز آسیب وارد خواهد کرد. از این رو مدیریت و رهبری از دیدگاه مکتب اسلام، هماهنگی و ایجاد روابط اسلامی و انسانی بین کارکنان، فراهم آوردن زمینه‌های رشد و خلاقیت استعدادها و به کار گرفتن صحیح و شروع نیروهای انسانی و مادی سازمان است. به نظر می‌رسد که امام (ع) بر این نکته تاکید داشتند. روابط درونی میان فرماندهان و نیروهایشان بر اساس ارزش‌های سلسله‌مراتبی نبوده و روح برابری و همکاری و وفاداری بر آنان حاکم بود؛ زیرا در هر محیط اجتماعی که عواطف و دوستی، محبت و عشق، وجود نداشته باشد، آن محیط، محیط انسانی نیست. از این رو روش مدبرانه امام حسین (ع) در رهبری و هدایت اصحاب خویش در نهضت کربلا، بهترین سرمشق و عالی‌ترین نمونه، برای مدیران دستگاه‌های مختلف، به‌ویژه سازمان‌های نظامی می‌باشد. رابطه امام (ع) با اصحاب خویش واقعا خواندنی و آموزنده است، و رهبری امام را در بهره‌گیری از عناصر تحت مدیریتش نشان می‌دهد. در سطور زیر تعدادی از این روابط صمیمی را ملاحظه می‌کنید:

یک. هنگامی که امام حسین (ع) در شب عاشورا به یاران خود فرمود: شما آزادید و می‌توانید شبانه از این منطقه جنگی که جز کشته شدن نتیجه‌ای ندارد، دور شوید، اصحاب ایشان همه به سخن آمده، با عباراتی عاطفی و سرشار از محبت به فرمانده و رهبرشان گفتند: ما هرگز شما را تنها نخواهیم گذاشت و از این سرزمین باز نخواهیم گشت، بلکه با گلوها، پیشانی‌ها و دست‌هایمان تو را از خطر حفظ می‌کنیم. وفاداری اصحاب در روز عاشورا به منصفه ظهور رسید

دو. در روز عاشورا، خبر اسارت فرزند محمد بن بشیر حضرمی (که یکی از یاران آن حضرت بود) توسط نیروهای ابن زیاد به وی رسید. امام (ع) به او فرمود: تو آزادی، برو و در آزادی فرزندت تلاش کن. حتی چند قطعه پارچه قیمتی به او داد؛ تا در

اختیار کسانی که می‌توانند در آزادی فرزندش تلاش کنند، قرار دهد. لکن محمد بن بشیر گفت به خدا سوگند من ابدًا دست از تو بر نمی‌دارم و این جمله را نیز اضافه نمود که اگر درندگان بیابان‌ها مرا قطعه قطعه کنند و طعمه خویش قرار دهند، دست از یاری تو بر نمی‌دارم. (تاریخ طبری ج ۷، ص ۳۲۲)

سه وقتی که اصحاب همه شهید شدند و جز چند نفر باقی نمانده بود و دشمن مرتب تیرباران می‌کرد، حنظله یکی از یاران آن حضرت (ع) خود را همچون سپری در مقابل حضرت قرار می‌داد و تیرها و نیزه‌ها و شمشیرهایی که امام (ع) را هدف قرار می‌دادند، به جان می‌خرید. (شیخ عباس قمی، همان ص ۱۰۲)

چهار. ملحق شدن حر، به امام حسین (ع) یکی از وقایع برجسته نهضت کربلا و یکی از لطایف مدیریت و رهبری امام حسین (ع) است. سخنان امام (ع) در منزلگه غدیب الهیجانان و غیره و سیراب کردن حر و سپاهش و حتی اسبان آنان، همانند برقی روح و روان حر را روشن کرد و انقلابی در او به وجود آورد و احساس حق طلبی او را بیدار، و جذب رهبری نورانی و انسانی آن حضرت (ع) کرد. سرانجام با رشادت تمام در رکاب حضرت به درجه شهادت نائل آمد. (شمس الدین، شیخ محمد مهدی، انصار الحسین - ترجمه ناصر هاشم زاده، تهران امیرکبیر سال ۱۳۶۴)

پنج. امام حسین (ع) در شب عاشورا اصحاب خود را این چنین ستایش کرد: فانی لا اعلم اصحابا اوفی و لا خیرا من اصحابی و کاین من نبی قاتل معه ربیون کثیر، فما وهنوا لما اصابهم فی سبیل الله و ما ضعفوا و ما استکانوا و الله یحب الصابین. (سوره آل عمران، آیه ۱۴۶)

«من یارانی [در جهان] بهتر از یاران خودم باوفاتر و بهتر سراغ ندارم. چه بسیار رخ داده که پیامبری جمعیت زیادی از پیروانش در جنگ کشته شده‌اش و با این حال، با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسیده مقاومت کردند و هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر در مقابل دشمن فرود نیاوردند و راه صبر و ثبات پیش گرفتند؛ خداوند صابران را دوست می‌دارد. (مطهری، مرتضی - مجموعه آثار - بخش حماسه حسینی - جلد ۱۷ انتشارات صدرا - سال ۱۳۷۶)

حجاج بن بدر السّعدی

حجاج از اهالی بصره و از قبیله سعد بن تمیم است. از جمله نامه هایی که امام حسین علیه السلام به مردم کوفه نوشتند نامه ای بود که به مسعود بن عمرو نوشتند. او نیز در پاسخ نامه امام حسین علیه السلام نامه ای را به دست حجاج برای امام حسین علیه السلام می فرستد. در آن نامه آمده است: «اما بعد، ای پسر دختر پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم ، نامه شما واصل و از مندرجات آن اطلاع حاصل شد. ما مطیع شما هستیم. خداوند زمین را از راهنمای خیر و دلیل راه حق خالی نمی گذارد. تو امروز حجت خدا بر خلق و ودیعه او در زمین، و شاخه ای از درخت وجود احمدی هستی. به جانب ما پیش آی که گردن های بنی تمیم برای فرمان تو خم گشته و در پیروی از فرمان تو از شتر تشنه در ورود به آب مطیع تر است». حجاج پس از رساندن این نامه هم چنان در رکاب امام حسین علیه السلام بود تا در روز عاشورا به فیض بزرگ شهادت نائل آمد.



جنگ عقیده

اختلاف و نزاع او (امام حسین علیه السلام) با خلیفه وقت بر سر این نبود که تو نباشی و من نباشم آیا آن کاری که تو می کنی نکن بگذار من بکنم، بلکه اختلافی بود اصولی و اساسی. اگر کس دیگری هم به جای یزید بود و همان روش و کارها را می داشت باز امام حسین علیه السلام قیام می کرد، خواه اینکه با امام حسین خوش رفتاری می کرد یا بد رفتاری... جنگ حسین جنگ مسلکی و عقیده ای بود. پای عقیده در کار بود. جنگ حق و باطل بود. در جنگ حق و باطل دیگر حسین از آن جهت که شخص معینی است تاثیر ندارد. خود امام حسین با دو کلمه مطلب را تمام کرد در یکی از خطبه های به اصحاب خودش می فرماید: آیا نمی بینید که به حق رفتار نمی شود و از باطل جلوگیری نمی شود؟ پس مؤمن در یک چنین اوضاعی باید تن به شهادت در راه خدا بدهد. فرمود وظیفه امام یا شخص حسین این است. فرمود: وظیفه یک مسلمان از آن جهت که مسلمان است در چنین اوضاعی این است که قیام کند و آماده شهادت گردد.

بیت الحزین
بیت الحزین

معرفی کتاب «جامه دران»

مؤلف: سعید بیابانکی / ناشر: فصل پنجم

مجموعه اشعار آیینی «جامه دران» سروده سعید بیابانکی که به تازگی از سوی انتشارات فصل پنجم منتشر شده است، منتخبی از غزلیات، مثنوی‌ها و چهارپاره‌های آئینی بیابانکی را شامل می‌شود که در سال‌های اخیر سروده شده است.

این کتاب حاوی ۳۵ شعر سعید بیابانکی با موضوعات مذهبی از جمله انتظار، مدح و منقبت معصومین(ع) است.

قالب اشعار کلاسیک است. اما بیشتر اشعار را غزل تشکیل می‌دهند، ۲ مثنوی و ۳ چهارپاره هم در این مجموعه آمده‌اند. اما به هر حال شعری در قالب شعر نو در این کتاب نیامده است. شاعر این مجموعه سعی کرده خود را میان دو طیف مخاطب قرار دهد؛ اول مخاطبی که پایگاهش حسینی‌ها و هیئت‌ها هستند و دوم مخاطبی که به شیوه‌ای خاص و روشنفکرانه به مقوله آیین و دین و در شعر می‌نگرد. بیابانکی در اشعار آیینی‌اش میان این دو طیف مخاطب راه می‌رود و به خاطر همین در سرایش اشعارش نمی‌تواند کاملاً دست به دامن هر کدام از این گروه‌ها شود. او از این به بعد برای خارج شدن از این قالب هیجانی در شعرش کار سختی را پیش رو دارد.



سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۲۸۴۸
WWW.KHADEMAN.COM

#۴۷۹۸۳*۴*۷۳۳* کمک به برنامه های

هیات دانشجویی خادمان مهدی (عج)